

Rules Governing Punishment Execution on Crime of Twin Ties in Iranian Law and Imamiyeh Jurisprudence

Hasan Hajitabar Firozjaee¹, Behnam Ghanbarpor²

Abstract

One of the challenging issues in the principles of jurisprudence and especially the rights of Iran, the question of the possibility or impossibility of carrying out the punishment on crimes committed by twin attached to this issue on two axes: the possibility or impossibility of separating them in terms of ordering the separation of the Clinging can be done.

The findings have shown that, firstly, the court can assume the possibility of separating them in the assumption of the possibility of separation and the lack of physical security, even if they are dissatisfied with them. Secondly, if alternative sentences are not possible for imposition of imprisonment, such as retaliation and the impossibility of separation, alternative punishment has not been foreseen. Third, there is no possibility of separation in the assumption that it is impossible to separate the twins from one another in the state of intervention, one of them in the crime and the impossibility of conversion or punishment alone. The third, and the probability of a great deal of infidelity in Qisas, is Diyah.

Keywords

Crime, Twisted Stick, Separation, Execution of Punishment

Please cite this article as: Hajitabar Firozjaee H, Ghanbarpor B. Rules Governing Punishment Execution on Crime of Twin Ties in Iranian Law and Imamiyeh Jurisprudence. *Iran J Med Law* 2019; 13(50): 133-154.

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. (Corresponding author) Email: hajitabar@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

قواعد حاکم بر اجرای مجازات درباره جنایت دوقلوی به هم چسبیده

در حقوق ایران و فقه امامیه

حسن حاجی‌قبار فیروزجانی^۱

بهنام قنبرپور^۲

چکیده

یکی از موضوعات چالشی در موازین فقه امامیه و به ویژه حقوق ایران، مسأله امکان و یا عدم امکان اجرای مجازات بر جنایت ارتكابی توسط دوقلوی چسبیده است که این موضوع بر دو محور امکان و یا عدم امکان جداسازی آنان با لحاظ قابلیت صدور دستور جداسازی آنان از یکدیگر در حالات گوناگونی چون ۱- امکان جداسازی آنها از یکدیگر، ولی با وجود رضایت، یا عدم رضایت یکی و یا هر دو؛ ۲- مداخله یکی و یا هر دو در وقوع جنایت در فروض مختلف؛ ۳- ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده قابل طرح است. یافته‌ها نشان داده است اولاً دادگاه در فرض امکان جداسازی و عدم خطر جسمی ولو عدم رضایت آنان می‌تواند دستور جداسازی آنان را صادر کند؛ ثانیاً در صورت عدم امکان اجرای مجازات حبس بدل از قصاص و عدم امکان جداسازی آنان، مجازات جایگزین پیش‌بینی نشده است؛ ثالثاً در فرض عدم امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده از یکدیگر در حالت مداخله یکی از آنان در جنایت و عدم امکان تبدیل و یا اعمال مجازات به تنهایی، امکان جداسازی وجود ندارد؛ رابعاً در صورت اجازه هر دو بر اجرای مجازات در فرض مداخله یکی در جنایت و عدم امکان جداسازی، نمی‌توان دستور اجرای مجازات را صادر کرد، لذا در موارد اخیر به جهت تحقق خوف و تغیر و حرج به نفس دیگری همچون موارد عسر مماثلث و احتمال سرایت و زیادتیی در قصاص، دیه متعین است.

واژگان کلیدی

جنایت، دوقلوی چسبیده، جداسازی، اجرای مجازات

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

Email: hajitabar@yahoo.com

(نویسنده مسؤول)

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

مقدمه

یکی از موضوعات چالشی در حقوق جزای ایران، مسأله جنایت ارتكابی توسط دوقلوی به هم چسبیده و به ویژه امکان و یا عدم امکان اجرای مجازات بر آن است که این موضوع در دو فرض کلی امکان و عدم امکان جداسازی آنان با در نظر گرفتن شقوق و حالات گوناگون قابل بررسی است، گرچه قانونگذار ایران در کتاب قصاص از قانون مجازات اسلامی به احکام و قواعد حاکم بر جنایات از جمله شرایط اجرای قصاص نفس پرداخته است، اما با این وجود در سوابق قانونگذاری کیفری ایران از جمله در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هیچ‌گاه مبادرت به وضع ماده یا مواد قانونی خاص در باب احکام جنایت دوقلوی به هم چسبیده و یا موارد مشابه به ویژه چگونگی اجرای مجازات اصلی و یا تبدیلی درباره آنان ننموده است، این در حالی است که اجرای مجازات و یا عدم آن بر دوقلوی به هم چسبیده نیاز به وضع قواعد و مقررات اختصاصی دارد. مباحثی چون تعارض اجرا و یا عدم اجرای مجازات بر آنان با برخی از اصول حقوق جزا از جمله اصل شخصی بودن و اصل تساوی افراد در برابر قانون، امکان و یا عدم امکان دستور جداسازی آنان از یکدیگر در فرض امکان جداسازی آنها از یکدیگر، ولی عدم رضایت یکی و یا هر دو، تبدیل و یا عدم تبدیل مجازات حبس بدل از قصاص به جزای نقدی در صورت عدم امکان جداسازی، امکان و یا عدم امکان دستور جداسازی آنان در فرض عدم امکان جدا ساختن آنان و مداخله یکی از آنان در جنایت و امثالهم از جمله موضوعات چالش‌برانگیز از لحاظ عملی و قانونی بوده که نگارندگان در این نوشتار درصدد بررسی این ابهام‌ها و ارائه پاسخی مناسب بر اساس قوانین ایران و نیز موازین فقه امامیه خواهند بود.

لذا بر مبنای ابهام‌ها و چالش‌های فوق‌الذکر سؤال‌های ذیل قابل طرح باشد: ۱- آیا امکان صدور دستور جداساختن دوقلوی به هم چسبیده از یکدیگر و عدم وجود خطر جسمی ولو عدم رضایت یکی یا هر دو از سوی دادگاه وجود دارد؟ ۲- ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات اصلی و یا تبدیلی بر دوقلوی به هم چسبیده چیست؟ ۳- آیا امکان صدور دستور جداساختن دوقلوی به هم چسبیده در فرض عدم امکان جداسازی آنان از یکدیگر طبق نظر پزشکی قانونی ناظر بر حالت مداخله یکی از آنان در وقوع جنایت و عدم امکان تبدیل و یا اعمال مجازات به تنهایی، وجود دارد؟ ۴- آیا دادگاه می‌تواند در صورت اجازه دوقلوهایی به هم چسبیده بر اجرای مجازات در فرض مداخله یکی در جنایت و عدم امکان جداسازی، دستور اجرای مجازات را صادر نماید؟

بنابراین نگارندگان برآنند تا با هدف بررسی و تبیین احکام ناظر بر اجرای مجازات قصاص و... بر دوقلوی به هم چسبیده در صورت وقوع جنایت مطالب اصلی این نوشتار پیرامون نحوه اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده را بر محور سه مبحث ذیل: نخست امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده (در فروض رضایت هر دو، عدم رضایت یکی و یا هر دو به جداساختن) و دیگری؛ عدم امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده در فروض ۱- مداخله یکی در وقوع جنایت؛ - امکان اجرای مجازات به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی؛ - بالعکس؛ ۲- مداخله هر دو در وقوع جنایت؛ - یکسان بودن نوع و میزان مجازات؛ - متفاوت بودن آن و سپس به ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات اصلی و یا تبدیلی بر دوقلوی به هم چسبیده و راه‌کارهای عملی آن، بر اساس موازین فقه امامیه و حقوق جزای ایران و به روش توصیفی و تحلیلی، از طریق فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه استدلالی و استنباطی اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

معناشناسی دوقلوهای به هم چسبیده

در یک تقسیم‌بندی، دوقلوه‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱- دوقلوهای همسان یا یک تخمکی: این نوع دوقلوه‌ها همیشه هم‌جنس هستند و تشخیص‌دادن این دوقلوه‌ها از یکدیگر به آسانی ممکن نیست؛ ۲- دوقلوهای غیر همسان یا دو تخمکی: این نوع از دوقلوه‌ها مثل همه بچه‌هایی که پدر و مادر مشترک دارند، از نظر ژنتیکی مشابه اند، اما ممکن است به یکدیگر شبیه یا متفاوت، هم‌جنس یا از جنس‌های متفاوت باشند، البته آزمایش DNA می‌تواند به طور قطع همسان و غیر همسان بودن دوقلوه‌ها را مشخص کند.

فراوانی دوقلویی تک تخمکی در دنیا ثابت است و در هر ۲۵۰ تولد یک مورد رخ می‌دهد، اما احتمال دوقلوی دو تخمکی به طور مشخصی تحت تأثیر نژاد، ارث، سن مادر، تعداد زایمان و مصرف دارو قرار دارد. برای مثال داروهای باروری باعث می‌شود که در طول یک دوره عادت ماهیانه، تخمدان‌ها بیشتر از یک تخمک آزاد کنند. در لقاح مصنوعی یا IVF ممکن است بیش از یک رویان در رحم جایگزین شود. در مورد نژاد نیز خانم‌های سیاه‌پوست بیشتر از خانم‌هایی که پوست سفیدتری دارند، احتمال بارداری چندقلو دارند. در خانم‌ها آسیایی و اسپانیایی احتمال کم‌تری درباره چندقلوایی وجود دارد (۲).

بنابراین در حالت کلی دوقلوها از یک سلول تخم واحد به وجود می‌آیند. دوقلوهای به هم چسبیده شکل نادری از دوقلوها هستند که در هر ۴۰ هزار تولد، یک مورد از آن‌ها بروز می‌کند، اما تنها یک مورد از هر ۲۰۰ هزار تولد زنده دوقلویی به هم چسبیده هستند. دوقلوها از یک سلول تخم واحد به وجود می‌آیند. این سلول تخم در دوقلوهای طبیعی به دو توپ سلولی یک انسان کامل را به وجود می‌آورد. در هنگام تشکیل جنین طبیعی، هر سلول می‌داند که باید در کجای بدن قرار گیرد. این قدرت تشخیص به کمک سلول‌های همسایه و از طریق ترشح مواد شیمیایی مخصوص ایجاد می‌شود. بنابراین سلول پوست به خوبی می‌داند که چه نوع سلولی است و به کدام قسمت از بدن تعلق دارد؟ در دوقلوی به هم چسبیده، سلول‌های جنینی در تصمیم‌گیری دچار سردرگمی می‌شوند. پیام‌های شیمیایی نیز به این سلول‌های سردرگم کمک چندانی نمی‌کنند. نتیجه نهایی جنین رخدادی تولد یک موجود زنده با دو سر، دو قلب یا چهار دست و پا و حتی دو انسان به هم چسبیده به نام دوقلوهای سیامی است. از آنجا که دوقلوهای به هم چسبیده هر دو از یک سلول تخم به وجود می‌آیند، دارای یک جنسیت هستند. سلول تخم تشکیل‌دهنده جنین، پس از گذشت دو هفته از لقاح، شروع به تقسیم‌شدن به دو جنین مجزا می‌کند. اگر این روند پیش از کامل‌شدن تقسیم متوقف شود، سلول تخمی که هنوز به طور کامل تقسیم‌نشده به رشد خود ادامه می‌دهد و در نتیجه دوقلوی به هم چسبیده ایجاد می‌شوند. عوامل متعددی در تشکیل دوقلوهای به هم چسبیده دخیل‌اند، مانند وراثت، محیط و داروها (۳).

این سؤال که دوقلوی به هم چسبیده (کسی که دو سر و بدن بر کمر واحد دارد) را باید به عنوان یک انسان تلقی کرد و یا دو انسان؟ برخی از فقها در پاسخ چنین بیان داشته‌اند: «... ضابطه و ملاک اصلی، بیداری است. پس هرگاه هر دو خواب باشند و همراه با بیدارشدن یکی از دو سر دیگری هم بیدار شود، یک نفر به حساب می‌آید، در غیر این صورت دو نفر می‌باشند، هم‌چنانکه امیر المؤمنین چنین حکم نموده است...» (۴). فایده این بحث در مسائلی چون ارث، قصاص و دیه ظاهر می‌شود که در ادامه این نوشتار بدان اشاره خواهیم کرد.

ادله فقهی حاکم بر عدم قصاص دوقلوهای به هم چسبیده

در توجیه فقهی عدم امکان اجرای قصاص بر یکی از دوقلوهای به هم چسبیده در فرض عدم امکان جداسازی هم می‌توان به دلایل و قواعد فقهی متعددی به شرح ذیل تمسک جست.

۱- تنقیح مناط

مشهور فقیهان در اجرای قصاص عضو در صورت خوف ضرر و تعزیر به نفس که معرضیت مخاطره نفس در آن محتمل است، به خاطر عدم امکان استیفای قصاص یا سرایت جراحت به عضو دیگر قائل به تبدیل قصاص به دیه شدند (۷-۵). با استناد به اطلاق ادله، وحدت ملاک و الغای خصوصیت می‌توان همین حکم را در خصوص دوقلوی به هم چسبیده غیر قابل تفکیک نیز جاری دانست، زیرا همان خصوصیت خوف سرایت ضرر در این فرض نیز حاکم است، چنانچه پیش از این اشاره شد، دوقلوی به هم چسبیده از یک سلول تخم واحد به وجود می‌آیند و دارای یک جنسیت هستند و یا فقها در باب ارث وقتی سخن از ذوالرأسین یا ذوالحقوین، یعنی انسان دارای دو سر یا دو بدن بر یک کمر به میان می‌آورند، خواب و بیداری هم‌زمان آن‌ها را ملاک ارث‌بردن قرار می‌دهند و گفته‌اند که اگر در حال خواب یا بیدار کردن یکی، دیگری هم بیدار شود، آن دو را یک نفر به شمار می‌آورند و هم سهم‌الارث یک نفر را برای آن کنار می‌گذارند (۴).

بنابراین همانطور که در قصاص عضو علاوه بر شرایط مندرج در احکام قصاص نفس، تساوی در سلامت و حفظ از سرایت جراحت شرط است و در جنایتهایی مانند هاشمه، منقله و جائفه قصاص ثابت نمی‌شود (۵ و ۸). به دلیل آنکه این‌گونه اعضا به هم پیوسته و مرتبط با هم هستند و جراحت در آن‌ها به جای دیگر سرایت می‌کند و عضو دیگر را مختل می‌کند و در مانحن فیه نیز به حکم تنقیح مناط می‌توان همین نظر را ارائه نمود، زیرا در قصاص دوقلوهای به هم چسبیده غیر قابل جداسازی، شخصیت مستقلی برای اجرای حکم وجود ندارد، بلکه به نوعی می‌توان آن دو را یک واحد وابسته به یکدیگر تلقی نمود که با اجرای حکم قصاص در یکی از آن دو، حیات دیگری هم در معرض خطر جدی واقع خواهد شد و مشمول قاعده فقهی «کل عضو یقتص منه مع وجوده، توخذ الدیه مع فقهه» می‌گردد، لذا آنجایی که امکان استیفای قصاص به هر دلیلی وجود ندارد، دیه متعین است. به همین قیاس در صورت ارتکاب جنایت

توسط یکی از انسان‌های دو سر یا ذوالحقوقین، حکم قصاص از آن‌ها برداشته می‌شود و تبدیل به دیه می‌گردد (۴).

۲- عروض عناوین ثانوی

هر حکمی که از طرف شارع مقدس تشریح می‌شود، اگر در بعضی از حالات بر اثر عوارض خارجی، مستلزم ضرر به نفس و ضرر به غیر یا تحمل حرج غیر معقول باشد، حکم مزبور به استناد روایت «لاضرر و لااضرار» (۱۲) یا به موجب آیه شریفه ۷۸ سوره حج که می‌فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» از صفحه تشریح مرفوع است. به عنوان مثال، اگر روزه‌گرفتن برای مکلف، مشقت شدید در پی دارد، حکم اولی آن (وجوب) توسط حکم ثانوی (عسر و حرج) تغییر می‌یابد و حکم وجوب روزه از آن مکلف برداشته می‌شود، لذا بیشتر اصولین معتقدند که قاعده لاضرر و نفی حرج حاکم بر ادله احکام است و بر آن‌ها مقدم است (۱۰). با این تفصیل اگرچه حکم اولی ارتکاب جنایت موجب قصاص توسط هر یک از قلوها برابر اصل اجرای عدالت جزایی، اصل تساوی افراد در برابر قانون و اصل شخصی بودن مجازات، اجرای قصاص است، ولی در شرایط و موقعیت‌های خاص با استناد به قاعده لاضرر و لاضرار و قاعده لاجرح به منظور صیانت از نفس می‌توان این حکم اولی را تغییر و تعدیل نمود، چنانچه فقها با دلایل متعدد چون حفظ جان بچه و احترام جنین در رحم زن باردار، قائل به ممنوعیت اجرای قصاص شدند (۸).

لذا فقها به استناد همین قواعد ثانوی مذکور در خصوص دوقلوهای به هم چسبیده غیر قابل تفکیک که اجرای حکم قصاص نسبت به یکی از آنان موجب تحقق ضرر و حرج دیگری شود یا زندگی و حیات دیگری را مختل سازد، قائل به عدم اجرای حکم قصاص شدند و حکم بدل از آنکه دیه باشد را جاری ساختند، چنانچه فقیهان معاصر نیز همین عقیده را برگزیدند: «جایز نیست قصاص در موارد خوف و تغریر به نفس که معرضیت مخاطره نفس در آن است، مثل جائفه و مأمومه و هاشمه و منقله و شکستن استخوان‌ها، بلکه اختصار بر دیه آن‌ها می‌شود و علاوه بر آن، موارد عسر مماثلت و احتمال زیادتی در قصاص نیز دیه متعین است» (۱۱).

نحوه اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده

نحوه مداخله دوقلوی به هم چسبیده در جنایت ممکن است به یکی از سه شکل: ۱- مباشرت (عملیات اجرایی جرم اعم از فعل یا ترک فعل به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به تنهایی توسط یکی از قل‌های به هم چسبیده واقع شده باشد)؛ ۲- مشارکت (عملیات اجرایی جرم با همکاری و دخالت مستقیم دوقل به هم چسبیده انجام گرفته به گونه‌ای که نتیجه حاصله نیز مستند به رفتار هر دو آنها بوده باشد)؛ ۳- معاونت (یکی از قل‌های به هم چسبیده و یا هر دوی آنان با انجام یکی از افعال مادی معاونت در جرم مندرج در بندهای «الف» تا «پ» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به طور غیر مستقیم موجبات وقوع عملیات اجرایی جرم را توسط دیگری را فراهم نموده باشد)، انجام گیرد (۱۳-۱۲). تصور مشارکت و یا معاونت دوقلوی به هم چسبیده در وقوع جنایت زمانی واقعیت پیدا می‌کند که از لحاظ علم پزشکی بتوان آنان را دو انسان دانست. در این صورت مسأله امکان و یا عدم امکان اجرای مجازات بر آنان ابتدائاً در دو فرض: ۱- امکان جداسازی؛ ۲- عدم امکان جداسازی قابل توجه و بررسی است که ذیلاً به احکام قانونی و فقهی مترتب بر هر کدام به طور جداگانه خواهیم پرداخت.

۱- فرض امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده

در این حالت طبق نظریه پزشکی قانونی، جداساختن آنان از یکدیگر، هیچ گونه خطر و یا عارضه جسمانی و روانی را برای آنان در پی نداشته و قابل درمان بوده باشد. در این صورت دادگاه در مواجهه با مسأله اجرای مجازات و لزوم تبعیت از اصول حاکم بر حقوق جزا از جمله اصل شخصی بودن مجازات و اجرای عدالت جزایی با چه تکلیفی مواجه است؟! در چنین فرضی مقام مجری حکم ممکن است با حالات گوناگون ذیل رو به رو شود: ۱- هر دو رضایت به جداسازی از یکدیگر داشته باشند؛ ۲- هیچ کدام راضی به این امر نبوده باشند؛ ۳- یکی از آنان، راضی به جداسازی بوده باشد. ذیلاً به بررسی فروض مختلف ناشی از امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده از یکدیگر با تکیه بر موازین قانونی موجود به ویژه قواعد عمومی حاکم بر اجرای مجازات و نیز اصول و قواعد فقهی و حقوقی دیگر می‌پردازیم.

۱-۱- رضایت هر دو قل به هم چسبیده: اگر هر دو قل به هم چسبیده راضی به عمل جراحی باشند، هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید. در این صورت بعد از جداساختن آنان از یکدیگر، هر یک تاوان جنایتی را که مرتکب شده است را می‌دهد.

۲-۱- عدم رضایت هر دو و یا یکی از قل به هم چسبیده: در ارتباط با فلسفه لزوم اعمال مجازات و یا نحوه اجرای آن بر هر مجرمی دیدگاه گوناگونی در میان مکاتب حقوق کیفری وجود دارد که پرداختن به آن از مجال این نوشتار خارج است، اما از نظر طرفداران مکاتبی چون مکتب فایده اجتماعی و مکتب دفاع اجتماعی درست است که انسان تحت تأثیر عوامل متعدد (زیست‌شناختی، روانی و محیطی) مرتکب جرم می‌شود، اما از سوی دیگر در وجود انسان عاقل نیروهایی دیگر نیز وجود دارد که به وی قدرت می‌دهد تا در مقابل این امیال و غرایز مقاومت کنند. به علاوه، انسان دارای آزادی‌هایی است که نمی‌تواند از آن‌ها صرف نظر کند (۱۴). عمده دلایل طرفداران اعمال مجازات بر مجرم (از جمله بر دوقلوی به هم چسبیده - تأکید از خود -) عبارتند از: ۱- ارضای حس انتقام؛ ۲- داشتن فایده در اثر اجرای مجازات (پیشگیری عام و خاص از وقوع جرم)؛ ۳- جلوگیری از احساس بی‌عدالتی ناشی از عدم اجرای مجازات بر مجرم (۱۵ و ۲)، اما نگارندگان، صرف نظر از دیدگاه‌های مکاتب کیفری، پیرامون موضوع مقاله و در پاسخ به این مطلب که چنانچه بر فرض امکان جداسازی دو قلوبی به هم چسبیده از یکدیگر، یکی یا هر دوی آنان راضی به جداسازی نبوده باشند، ابتدائاً دو برداشت ذیل را مطرح و نهایتاً مبادرت به نتیجه‌گیری خواهند نمود. برداشت نخست: این که در این فرض دادگاه باید دستور به جدا ساختن آنان را بدهد، ولو این که راضی به این امر نبوده باشند، زیرا اولاً اصل تساوی افراد در قبال قانون و نیز لزوم اجرای عدالت جزایی چنین اقتضا می‌کند که تا جای امکان، هیچ جرمی و مجرمی بلا مجازات نماند؛ ثانیاً از آنجایی که در صورت جدا شدن، هیچ ضرر و یا خطری سلامت آنان را تهدید نمی‌کند، لذا هیچ منافاتی با قواعد عقلی و فقهی چون قاعده «لاضرر» و «لاحرج»، نیز ندارد؛ ثالثاً اقتضای عقل سلیم و مصلحت آنان از جمله بهتر زیستن نیز بر این است که به هم چسبیده بودن دو نفر از هر قسمت از اعضای بدن مشکلات و سختی را برای هر یک در مسائل مختلف زندگی روزمره برای آنان به همراه دارد، در حالی که با جداساختن آنان، چنین مشکلاتی برای آنان از بین می‌رود؛ رابعاً اقتضای نظم عمومی و منافع جامعه نیز چنین است، اما برداشت دوم این می‌تواند چنین باشد که دادگاه نمی‌تواند مبادرت به جداسازی آنان بدون رضایتشان نماید، چراکه این امر برخلاف سلوک اخلاقی در علم پزشکی (ضرورت اخذ اجازه از بیمار جهت درمان) و همچنین تغییر در اصل خلقت انسان محسوب می‌شود (۲).

در مقام داوری میان دو برداشت فوق، به نظر می‌رسد برداشت نخست منطقی‌تر باشد، چراکه با اصول و قواعد حاکم بر حقوق جزا همخوانی دارد، اگرچه شایسته است که قانونگذار ایران در این باره مبادرت به رفع ابهام نماید. به علاوه از مفاد و مضمون قوانین موجود در ایران در باب قصاص نیز می‌توان چنین استنباط کرد که دادگاه باید برای مرتکب جرم (چه دولوی به هم چسبیده و چه هر شخص دیگری) قصاص را در نظر بگیرد، البته به شرطی که ضرر و صدمه‌ای بیشتر متوجه خود شخص مرتکب و یا دیگری نبوده باشد، زیرا اقتضای مفاد برخی از مواد قانون مجازات اسلامی نیز چنین است؛ از جمله قسمت اخیر ماده ۴۳۹ و ۴۴۱ و بند «پ» ماده ۴۳۷ و مواد ۳۹۳، ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۱۲ «قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ نیز از لحاظ مفهومی به طور صریح و ضمنی دلالت بر این امر دارند تا جایی که امکان رفع مانع اجرای حکم قصاص وجود دارد، دادگاه باید این مانع را برطرف و حکم اولیه و اصلی جنایت عمدی، یعنی قصاص چه عضو و یا نفس را اجرا نماید. یکی از موانع اجرای قصاص می‌توان به دولوی به هم چسبیده اشاره کرد که امکان جداسازی آن بدون ورود یا احتمال بروز هرگونه خطر و یا صدمه‌ای به هریک وجود داشته باشد، ولی یکی و یا هر دو راضی به جداساختن خود از یکدیگر نبوده باشند. در این صورت دادگاه خود رأساً می‌تواند با جلب نظر پزشکی قانونی، دستور به جداساختن آنان را صادر نماید تا مانع اجرای حکم قصاص برطرف و مجازات اصلی، یعنی قصاص نسبت به دولوی به هم چسبیده اجرا شود و در صورت عدم امکان اجرای قصاص به لحاظ وجود بیم تلف‌شدن دیگری، قصاص ساقط شده و دیه جایگزین می‌شود (۱۳).

۳-۱- فرض عدم امکان جداسازی دولوهای به هم چسبیده: در این فرض طبق نظریه پزشکی قانونی، جداساختن آنان از یکدیگر ممکن است با تلف جان و عضو و یا زوال منفعت یا هر عارضه جسمی و یا روانی دیگر نسبت به یکی و یا هر دو منجر شود. در این صورت از لحاظ قانونی تکلیف اجرای مجازات آن‌ها چه خواهد شد؟ باید گفت که حکم مسأله در حالات مختلف به ترتیب دخالت هر دو در وقوع جنایت و یا یکی از آن‌ها حسب مورد تا حدودی فرق می‌کند که ذیلاً به آن بر اساس ابتدائاً حقوق ایران و سپس موازین فقه امامیه خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱- حالت مداخله هر دو در وقوع جنایت: چنانچه هر دو قلوبی به هم چسبیده در وقوع جنایت دخالت داشته باشند، پاسخ مسأله (امکان و کیفیت اجرای مجازات) بستگی به یکسان بودن نوع و میزان مجازات آن‌ها و یا متفاوت بودن آن در حالات و فروض مختلف دارد:

- فرض یکسان بودن نوع و میزان مجازات: فرض یکسان بودن نوع و یا میزان مجازات دوقلوی به هم چسبیده در حالت دخالت هر دو در جنایت در مواردی چون معاونت هر دو در جنایت و یا مشارکت آن‌ها مصداق پیدا می‌کند، مثلاً هر دو در وقوع جنایت توسط دیگری از طریق افعال تحریک‌آمیز معاونت نمایند و مقام قضایی در مرحله صدور حکم مجازات یکسانی از حیث نوع و میزان مجازات (مثلاً شش ماه حبس، جزای نقدی، شلاق) برای هر دو در نظر بگیرد، معمولاً هیچ مشکلی پیش نمی‌آید و یا این‌که هر دو به اتهام مشارکت در قتل عمدی به قصاص محکوم شوند و اولیای دم درخواست قصاص هر دو را داشته باشند، چراکه با استنباط از مبانی حاکم بر حقوق جزا و به ویژه مواد ۴۳۹ و بند «پ» ماده ۴۳۷ و مواد ۳۹۳، ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواردی مشابه این فرض بیم ایجاد ضرر جسمانی بیشتر و یا تلف دیگری و همچنین، هیچ محدودیت و یا ممنوعیت از جهات مختلف برای قل دیگر قابل تصور نیست و شرایط اجرای مجازات برای هر دو قل یکسان و برابر است و در صورت فراهم بودن شرایط قانونی و عملی اجرای مجازات، باید آن درباره هر یک از آنان اجرا شود.

- فرض متفاوت بودن نوع و یا میزان مجازات: در خصوص امکان و یا عدم امکان اجرای مجازات در فرض مداخله هر دو قل به هم چسبیده در جنایت مشکل زمانی به وجود می‌آید که مجازات آنان از لحاظ نوع و یا میزان، به دلایلی چون متفاوت بودن نوع جنایت (قتل، ضرب و جرح) یا نحوه مداخله در جنایت (یکی معاونت و دیگری مباشرت) و یا گاهی اوقات تصمیم دادگاه در متفاوت و یکسان نبودن مجازات آن‌ها، حتی در فرضی که نحوه دخالت آن‌ها در جنایت یکسان باشد (مثلاً برای یکی ۳ ماه حبس و دیگری ۵ ماه حبس، یا برای یکی جزای نقدی و دیگری حبس)، حدوث شرایطی چون گذشت اولیای دم نسبت به یکی و یا قابل اجرانبودن مجازات به عنوان مثال به دلیل منتفی بودن یکی از شرایط اختصاصی ثبوت قصاص عضو و امثالهم، متفاوت باشد. معمولاً در این موارد اجرای حکم امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر این‌که امکان اعمال مجازات بر مرتکب جرم به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی وجود داشته باشد و یا شدت و کیفیت مجازات به گونه‌ای باشد که خطری متوجه دیگری نبوده باشد.

۲-۳-۱- مداخله یکی در وقوع جنایت: فرض مداخله یکی در وقوع جنایت شامل حالت مباشرت و یا معاونت فقط یکی از دوقلوی به هم چسبیده در وقوع جنایت می‌شود و قل دیگر کاملاً بی‌گناه است. به عبارت دیگر در پاره‌ای موارد، طبق نظریه پزشکی قانونی امکان جداساختن آنان از یکدیگر خطرناک بوده باشد، با این توضیح که ممکن است یکی از آن دو در وقوع جنایت دخالت داشته باشد و دیگری کاملاً بی‌گناه باشد که مسأله اجرای مجازات بر آن‌ها در دو حالت ذیل متفاوت خواهد بود:

- در برخی مواقع امکان اجرای مجازات بر مرتکب جرم (یک قل از دوقلوی به هم چسبیده) به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی فراهم باشد. به تعبیر دیگر، گرچه طبق نظر پزشکی قانونی امکان جداسازی میان آنان وجود ندارد، اما نوع و یا میزان مجازات به گونه‌ای است که می‌توان آن را بر مرتکب جرم اجرا نمود، بدون این‌که از یکسو نیازی به جداسازی آنان از یکدیگر بوده باشد و از سوی دیگر، اعمال و اجرای مجازات (شدت و یا کیفیت/ نوع و یا میزان مجازات) به گونه‌ای بوده باشد که خطری متوجه دیگری نبوده باشد. این امر در مواردی که نوع مجازات مرتکب جرم (معاون و یا مباشر در جنایت) مثلاً قطع عضو (با لحاظ فراهم‌بودن شرایط اختصاصی ثبوت و اجرای قصاص عضو مندرج در ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش.)، شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی بوده باشد، مصداق پیدا می‌کند که در این حالت عملاً هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید. این ادعا را می‌توان به طور ضمنی و یا صریح از مفاد و مضمون برخی عبارات و کلمات به کاررفته در مواد ذیل از قانون مجازات اسلامی در باب شرایط اجرای قصاص عضو و نیز اصول حاکم بر حقوق جزا به عنوان مثال، اصل اجرای عدالت جزایی، مفهوم مخالف قواعد فقهی لاضرر و منع عسر و حرج و نیز به اقتضای مصالح و منافع اجتماع، استنتاج نمود. به عبارت دیگر وفق موازین قانونی و نیز قواعد فقهی یکی از موارد موانع مجازات و یا تبدیل آن به نوع دیگر، موردی است که در اثر اجرای مجازات، ضرری بیشتر متوجه خود شخص محکوم‌علیه و دیگری (بی‌گناه) بوده باشد که یکی از مصادیق بارز این مورد را می‌توان به اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده اشاره کرد، اما مستندات قانونی در توجیه ادعا و استدلال فوق‌الذکر عبارتند از:

- بند «پ» ماده ۳۹۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲: این ماده مقرر می‌دارد: «در قصاص عضو، علاوه بر شرایط عمومی قصاص، شرایط ذیل با تفصیلی که در این قانون بیان می‌شود، باید رعایت شود:

۱- ...؛ ۲- ...؛ ۳- خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد...»، چنانچه در اثر اجرای مجازات قصاص عضو بر دوقلوی به هم چسبیده بیم تلف خود مرتکب و یا صدمه بر عضو دیگر و به قیاس اولویت، بیم تلف جان و یا صدمه به عضو قل دیگر (قل بی گناه) برود، اجرای مجازات بر مرتکب ممنوع است، اما بالعکس، چنانچه در اثر اجرای مجازات ضرر جانی و بدنی متوجه خود مرتکب و یا قل بی گناه دیگر نبوده باشد، پس امکان اجرای مجازات بدون نیاز به جداسازی وجود دارد.

- قسمت اخیر ماده ۴۳۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲: این ماده مقرر می‌دارد: «ابزار قطع و جرح از قصاص عضو باید تیز، غیر آلوده و مناسب با اجرای قصاص باشد...، اگر مرتکب بیمار یا شرایط زمان و مکان به گونه‌ای باشد که در قصاص، بیم سرایت به نفس یا صدمه دیگر باشد، در صورت امکان، موانع رفع و قصاص اجرا می‌شود...».

- ماده ۴۳۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲: این بیانگر عدم امکان اجرای قصاص بر زن باردار پیش از وضع حمل و یا به تأخیر انداختن اجرای قصاص پس از وضع حمل در صورتی که بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند.

- در برخی مواقع امکان اعمال مجازات بر مرتکب جرم به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی وجود ندارد، مثلاً مجازات معاون و یا مباشر در وقوع جنایت از نوع قصاص نفس، یا قصاص عضو، در صورت فراهم نبودن شرایط مقرر در قانون برای اجرای آن موضوع ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و یا حبس بوده باشد، در این صورت این ابهام وجود دارد که آیا دادگاه می‌تواند، همانند فرض امکان جداسازی دوقلوی به هم چسبیده از یکدیگر در صورت عدم رضایت هر دو یا یکی از آنان به جداسازی، بدون توجه به سلامت جسمانی و نفسانی دیگری، مجازات را بر مرتکب آن اعمال و اجرا نماید؟!.

در قوانین موضوعه ایران در این باره نیز ابهام وجود دارد، زیرا قانونگذار در هیچ یک از قوانین اعم از قانون مجازات اسلامی و یا قانون آیین دادرسی کیفری (باب اجرای احکام کیفری) به وضوح متعرض حکم مسأله اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده در فروض مختلف پیش گفته، از جمله فرض اخیر، نشده است، اما با این وجود، در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر باید ابتدائاً بین دو حالت ذیل قائل به تفکیک شد:

- قانوناً امکان تبدیل مجازات به نوع دیگر، سپس امکان اجرای مجازات تبدیل شده نیز وجود داشته باشد، مثلاً تبدیل قصاص به دیه که در این صورت مجازات جدید (مجازات تبدیلی) درباره مجرم (یکی از قل‌ها) اعمال می‌شود، حتی اجازه آنان به جداسازی از یکدیگر با فرض امکان تبدیل مجازات قابل توجیه نیست، چراکه با تبدیل مجازات، هدف قانونگذار از اعمال و اجرای مجازات (مثلاً اجرای عدالت و پیشگیری از جرم) محقق می‌شود.

- قانوناً امکان تبدیل مجازات به نوع دیگر و یا امکان اجرای مجازات تبدیلی (به لحاظ عدم ارتکاب جرم توسط یکی از قل‌ها) وجود نداشته باشد. در این فرض در حالت این که آیا دادگاه می‌تواند آن‌ها را مجبور به جداسازی کند، با این فرض که امکان جداسازی طبق نظریه پزشکی قانونی فراهم نبوده باشد و یا این که آیا در صورت اجازه داوطلبانه هر دو قل به هم چسبیده به جداسازی، امکان جداسازی و سپس اجرای مجازات وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به چنین سؤال می‌توان گفت که با توجه به اقتضای اصل شخصی بودن مجازات، قاعده لاضرر و منع عسر و حرج، قاعده لزوم حفظ نفس و لزوم پایبندی به اصل قانونی بودن مجازات، دادگاه نمی‌تواند دستور به جداسازی را صادر نماید، حتی اگر آنان داوطلبانه اجازه جداساختن را به دادگاه داده باشند.

۲- ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات نسبت به دوقلوی به هم چسبیده

یکی از اهداف اصلی دستگاه قضایی اجرای عدالت است که در بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی مورد اشاره واقع شده است. یکی از ابعاد تحقق بخشیدن عدالت جزایی، جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمین و یا به تعبیری اصل تساوی افراد در برابر قانون می‌باشد (اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی)، اما گاهی اوقات اجرای این اصل، یعنی عدالت جزایی ممکن است عملاً بنا به دلایلی امکان پذیر نبوده باشد. از جمله موارد عدم امکان اجرای مجازات، ورود صدمه یا ضرر به دیگری به لحاظ به هم چسبیده بودن و نیز عدم امکان جداسازی آنان می‌باشد. با توجه به نکات فوق‌الاشعار، جهات و دلایل عدم امکان عملی اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده عبارتند از:

- متفاوت بودن نوع و میزان مجازات در فرض مداخله هر دو در وقوع جنایت.
- عدم امکان اجرای مجازات به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی در فرض مداخله یکی در وقوع جنایت.

در بقیه فروض مداخله دوقلوی به هم چسبیده (به تنهایی و یا با همکاری دیگری) در وقوع جنایت از موضوع بحث، یعنی ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده خارج است، زیرا در بقیه موارد (به غیر از دو مورد فوق‌الذکر) با توجه به مستندات قانونی و یا منابع ارجاعی به ترتیبی که در بندهای مختلف از قسمت ۱-۳-۱ این نوشتار به شرح فوق آمده است، عملاً و قانوناً امکان اجرای مجازات اصلی نسبت به آنان به دلیل امکان جداساختن دوقلوی به هم چسبیده از یکدیگر و عدم احتمال ورود ضرر به خود مرتکب و یا قل دیگری وجود دارد که در این قسمت از تکرار آن موارد و مستندات و منابع آن خودداری می‌شود.

عدم اجرای مجازات و یا به اجراء آوردن آن درباره دوقلو به هم چسبیده در فروض فوق‌الذکر، در هر حال باعث ایراد خدشه اساسی به حقوق بنیادین بشری و قواعد اساسی حاکم بر حقوق جزا خواهد شد، به گونه‌ای که از یکسو با اجرای مجازات در این فروض بیم خطر جانی و جسمی برای قل دیگر را در پی داشته که این امر با عث نقض اصل شخصی بودن مجازات و حقوق و آزادی‌های بشری می‌شود و از سوی دیگر، عدم اجرای مجازات به دلایل پیش‌گفته نیز باعث ایجاد آثار نامطلوبی چون تعارض با برخی از اصول حاکم بر حقوق جزا، یعنی اصل تساوی افراد در قبال قانون (اصل عدالت جزایی) و همچنین نادیده گرفتن حقوق و منافع اجتماع و اخلال در نظم عمومی خواهد شد، لذا برابر اصل شخصی بودن مجازات، در اسلام هر کس مسؤول اعمال خویش است. همچنین «در داستان حضرت یوسف (ع) زمانی که برادران یوسف با میل و اراده خود تقاضا کردند که یکی از آنان به جای متهم نگهداری شود و توجیهی به ظاهر معقول برای این تقاضا طرح گردید و حضرت یوسف چنین پاسخ دادند که: نگهداری شخص بی‌گناه به جای گناه‌کار، ظلم است و ظلم عمل قبیحی است که عقل سلیم نیز قبح آن را به خوبی درک می‌کند...» (۱۶-۱۸).

بنابراین قانوناً مسأله عدم امکان اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده زمانی تحقق پیدا می‌کند که امکان جداسازی آنان از یکدیگر وجود نداشته باشد. این امر یعنی عدم امکان اجرای مجازات هم نسبت به مجازات اصلی (دیه و قصاص) و هم مجازات تبدیلی (حبس) زمانی قابل تصور است که ذیلاً به ضمانت اجرای آن خواهیم پرداخت.

۱-۲- ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات اصلی: برابر مفاد مواد ۱۶، ۱۷ و ۴۴۸ قانون

مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات اصلی جنایت حسب مورد قصاص و یا دیه می‌باشد. با این

وجود، هر یک از مجازات قصاص و یا دیه ممکن است بنا به دلایلی قابل اجرا نبوده باشد که ذیلاً به ضمانت اجرا هر یک وفق موازین قانونی می‌پردازیم:

۱-۱-۲- قصاص: اگر مجازات اصلی جنایت عمدی قصاص بوده باشد، این گونه عمل خواهد شد: اگر مجازات جنایت عمدی، از نوع قصاص نفس بوده باشد و بنا به جهاتی چون گذشت اولیای دم، فقدان اولیای دم، منتفی بودن هریک از شرایط ثبوت قصاص و یا اجرای آن، مثل رابطه پدر و فرزندی میان قاتل و مقتول، احتمال ورود صدمه به دیگری به لحاظ به هم چسبیده بودن دوقلوی و عدم امکان جداسازی آنان قانوناً امکان اجرای آن نبوده باشد. در این صورت به موجب ماده ۶۱۲ «قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵، قصاص نفس تبدیل به سه تا ده سال حبس تعزیری به شرط ایجاد اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران، خواهد شد. عبارت «... و یا به هر علتی قصاص نشود...» در ماده ۶۱۲ مزبور اطلاق دارد و از جمله مواردی که این عبارت می‌تواند آن را دربر گیرد؛ ورود هرگونه صدمه جانی و بدنی بر دیگری در اثر اجرای قصاص نفس می‌باشد که این امر از جمله شامل وضعیت دوقلوی به هم چسبیده‌ای می‌شود که یکی از آنان مرتکب جرم مستوجب قصاص نفس شده و دیگری بی‌گناه بوده باشد که در این صورت، به تشخیص دادگاه در صورت فراهم بودن شرایط فوق، قصاص نفس تبدیل به حبس تعزیری سه تا ده سال می‌شود. مسأله‌ای که قانونگذار در این ماده قانونی برخلاف ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۱۳۷۵ که درباره آن سکوت نموده است و شاید باعث ایجاد اختلاف نظر میان حقوقدانان و یا رویه قضایی شود، دیه است که آیا در صورت عدم اجرای قصاص نفس، علاوه بر تبدیل قصاص نفس به حبس تعزیری به تشخیص دادگاه، دیه در صورت درخواست اولیای دم نیز تبدیل خواهد شد؟ پاسخ: به نظر می‌رسد با توجه به قسمت دوم از تعریف دیه مندرج در مواد ۱۷ و ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و نیز حق‌الناس بودن آن، قصاص تبدیل به دیه نیز می‌شود در صورتی که اولیای دم آن را درخواست نمایند. در برخی از متون فقهی نیز آمده است که: «اگر یکی از آن دو تن مرتکب جنایتی شد که موجب قصاص است، قصاص نمی‌شود، اگرچه عمداً باشد، چون قصاص او باعث آزار و اذیت و یا هلاکت تن دیگری می‌شود. آری، اگر هر دوی آن‌ها در جنایت شریک باشند، هر دو را قصاص می‌کنند، اما آیا یک نفر به حساب می‌آیند یا دو نفر، محل نظر و تأمل است. فایده که بر این دو احتمال مترتب می‌شود، آن است که اگر دو نفر به

حساب آیند، در صورتی می‌توان آن دو را به واسطه قتلی که مرتکب شده‌اند، قصاص کرد که مقدار زائد بر دیه یک نفر به ولی آن‌ها داده شود، زیرا مثل آنجا خواهد بود که دو نفر در قتل یک نفر شریک‌اند... و اما اگر یک نفر به حساب آید، قصاص آن‌ها متوقف بر پرداختن دیه نیست» (۵). استفتایی که از برخی علما و مراجع بزرگ تقلید معاصر به عمل آمده است، نیز همگی قائل به تبدیل قصاص به دیه نیز بوده‌اند در صورتی که امکان جداسازی آن‌ها وجود نداشته باشد و حکم آن دو یکی اعدام باشد و نتوان این حکم را در مورد این دو نفر اجرا کرد حکم اعدام تبدیل به دیه می‌شود (۲۲-۱۹). همچنین اگر مجازات اصلی جنایت عمدی از نوع قصاص عضو و یا منفعت بوده باشد و بنا به دلایلی امکان قصاص وجود نداشته باشد، در این صورت نیز قصاص تبدیل به حبس تعزیری حسب مورد و تا پنج سال و یا سه ماه تا یک سال و نیز دیه در صورت درخواست مجنی‌علیه خواهد شد (ماده ۶۱۴ و تبصره آن). در توجیه عدم امکان اجرای قصاص بر یکی از دو قلولی به هم چسبیده در فرض عدم امکان جداسازی می‌توان به قواعدی چون لاضرر و لزوم حفظ نفس استناد جست که مشابه چنین حکمی را در باب عدم اجرای قصاص بر زن باردار یافت که فقها با اشاره به دلایلی چون وجوب حفظ جان بچه و محترم بودن طفلی که در شکم زن است، قائل به ممنوعیت اجرای قصاص بر زن باردار می‌باشند (۲۳). با وحدت ملاک و تنقیح مناط می‌توان مفاد این حکم را بر مواردی چون اجرای قصاص بر دو قلولی به هم چسبیده نیز جاری کرد.

۲-۱-۲- دیه: چنانچه به موجب مواد ۱۷ و ۴۴۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲، مجازات جنایت غیر عمدی و یا جنایت عمدی که به هر علتی قصاص امکان نداشته باشد، دیه بوده باشد، مرتکب باید ظرف مهلت قانونی معین در ماده ۴۸۸ ق.م.ا. دیه را پرداخت نماید و در صورت عدم پرداخت، بازداشت می‌شود، البته در دیه برخلاف جزای نقدی، چیزی از میزان آن به لحاظ مدتی که در بازداشت بوده است، کاسته نمی‌شود. چنانچه مرتکب از لحاظ مالی اصلاً تمکن پرداخت دیه را نداشته باشد و یا صرفاً توان پرداخت دیه را تا یک میزان مشخص به طور اقساط را داشته باشد و بازداشت نشود، باید قبل از بازداشت شدن و یا در حین آن، مطابق مقررات قانونی از جمله مستنداً به تبصره ماده ۵۳۴ و ماده ۵۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ و ماده ۴۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲، باید مبادرت به تقدیم دادخواست اعسار و یا تقسیط نسبت به پرداخت دیه به

مرجع قضایی ذی صلاح نماید و دادگاه با بررسی شرایط و وضعیت مرتکب حسب مورد مبادرت به صدور رأی به اعسار از محکوم به و یا تقسیط آن خواهد داد.

۲-۲- ضمانت اجرای عدم اعمال مجازات تبدیلی: مطابق موازین قانونی، در صورت عدم امکان اجرای مجازات قصاص، تبدیل به حبس تعزیری و دیه خواهد شد، اما درباره دوقلوی به هم چسبیده همانطور که گفته شده است، در یک حالت امکان جداسازی آنان از یکدیگر وجود ندارد و این که امکان اجرای مجازات درباره آنان بدون جداساختن نیز میسر نخواهد بود که جهات عدم امکان اجرای مجازات عبارتند از: ۱- متفاوت بودن نوع و میزان مجازات در فرض مداخله هر دو در جنایت؛ ۲- عدم امکان اجرای مجازات بدون جداسازی در فرض مداخله یکی در جنایت. این جهات عدم امکان به اجراء آمدن مجازات درباره آنان، هم نسبت به مجازات اصلی و هم مجازات تبدیلی، یعنی حبس قابل تصور است.

قابل ذکر است که در صورتی که مجازات تبدیلی از نوع دیه بوده باشد، تکلیف قضیه کاملاً مشخص است، زیرا وفق موازین قانونی پیش گفته یا دیه به طور کامل پرداخت می شود و یا این که پرداخت آن به صورت اقساط انجام می گیرد و یا آنکه دیه اصلاً پرداخت نمی شود (حالت اعسار کامل) مگر تا زمانی که مالی از ایشان پیدا شود (ماده ۴۵۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ش.). بنابراین مسأله عدم اعمال مجازات تبدیلی درباره دوقلوی به هم چسبیده، فقط نسبت به حبس بدل از قصاص نفس یا عضو، یا منفعت قابل تصور است که قانونگذار در هیچ یک از قوانین موضوعه به این موضوع مهم نپرداخته است که این که آیا به مجازات دیگری مانند جزای نقدی قابل تبدیل است یا خیر؟!

نتیجه گیری

مسأله امکان و یا عدم امکان اجرای مجازات بر دوقلوی به هم چسبیده در صورت وقوع جنایت ابتدائاً در دو فرض: ۱- امکان جداسازی؛ ۲- عدم امکان جداسازی آنان قابل توجه و بررسی است.

در فرض امکان جداسازی دادگاه ممکن است با حالات گوناگونی مواجه شود: ۱- هر دو رضایت به جداسازی داشته باشند. در این صورت بعد از جداساختن، هر یک تاوان جنایتی را که مرتکب شده است را می دهد؛ ۲- هیچ کدام و یا یکی از آنان، راضی به جداسازی نبوده باشد. در

این صورت دادگاه باید دستور به جداساختن آنان را بدهد، ولو این که آنان راضی نبوده باشند، زیرا اقتضای برخی از اصول و مبانی حاکم بر حقوق جزا و همچنین مفاد برخی از مواد قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۴۳۹ و بند «پ» ماده ۴۳۷ و ۳۹۳ و ۴۴۷ چنین برمی آید تا جایی که امکان رفع مانع اجرای حکم قصاص وجود دارد، دادگاه باید این مانع را برطرف نماید. اما در فرض عدم امکان جداسازی نیز حکم مسأله در حالات مختلف حسب مورد فرق می کند: ۱- مداخله هر دو در وقوع جنایت: بستگی به: - یکسان بودن نوع و میزان مجازات: هیچ مشکلی پیش نمی آید؛ - متفاوت بودن مجازات: معمولاً در این موارد اجرای حکم امکان پذیر نخواهد بود، مگر این که امکان اعمال مجازات بر مرتکب جرم به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی وجود داشته باشد؛ ۲- مداخله یکی در وقوع جنایت: بستگی به دو حالت ذیل دارد: - در برخی مواقع امکان اعمال مجازات بر مرتکب جرم به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی وجود داشته باشد. این امر در مواردی که نوع مجازات مرتکب جرم مثلاً قطع عضو (با لحاظ فراهم بودن شرایط اختصاصی ثبوت و اجرای قصاص عضو مندرج در ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی)، شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی بوده باشد، مصداق پیدا می کند که در این حالت با استنباط از برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از جمله مواد ۳۹۳، ۴۳۹ و ۴۳۷ به اجرا درمی آید؛ - چنانچه امکان اعمال مجازات به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی وجود نداشته باشد، باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد: نخست امکان تبدیل مجازات به نوع دیگر، سپس امکان اجرای مجازات تبدیل شده نیز وجود داشته باشد در این صورت مجازات جدید درباره مجرم اعمال می شود؛ دوم امکان تبدیل مجازات به نوع دیگر و یا امکان اجرای مجازات تبدیلی وجود نداشته باشد. در این صورت با توجه به اقتضای برخی از اصول حقوق جزا و قواعد فقهی دادگاه نمی تواند دستور به جداسازی آنان را صادر نماید، حتی اگر آنان اجازه جداساختن را به دادگاه داده باشند.

بنابراین با توجه بررسی ها و نتایج به دست آمده، موارد ذیل مورد پیشنهاد به قانونگذار است:

۱- در مواردی که امکان جداساختن دوقلوی به هم چسبیده طبق نظریه پزشکی قانونی وجود داشته، ولی یکی و یا هر دو قل چسبیده به هم راضی به آن نباشند، دادگاه خود می تواند رأساً دستور جداساختن آن ها را صادر کند.

۲- در فرض عدم امکان جداسازی دو قل به هم چسبیده مشخص شود که تکلیف اجرا و یا عدم اجرای مجازات در حالت مداخله هر دو قل به هم چسبیده در وقوع جنایت و نیز در فرض متفاوت بودن نوع و یا میزان مجازات و همین طور در حالت مداخله یکی از قل‌ها در جنایت که: - در مواقعی که امکان اجرای مجازات بر مرتکب به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی با و توجه به خطر و ضرر به دیگری وجود داشته باشد، باید به اجرا درآید؛ - در مواردی که اجرای مجازات به تنهایی و بدون نیاز به جداسازی امکان‌پذیر نباشد، در این صورت اگر تبدیل مجازات فراهم نباشد، دادگاه نباید دستور به جداسازی آن‌ها را صادر کند، حتی اگر آنان داوطلب به جدا ساختن از یکدیگر باشند.

۳- با اصلاح ماده ۶۱۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات همانند قصاص عضو و یا با وضع تبصره صراحتاً اعلام نماید که چنانچه قصاص نفس به هر علتی اجرا نشود، مرتکب به علاوه بر تعزیر، به دیه در صورت درخواست اولیای دم محکوم می‌شود.

۴- با وضع یک ماده قانونی جدید پس از ماده ۶۱۲ و یا ماده ۶۱۴ ق.م.ا. تعزیرات ۱۳۷۵ و یا لاقلاً یک تبصره قانونی تکلیف مسأله را در زمانی که به هر علتی مثلاً به هم چسبیده بودن دوقلو، حتی امکان اجرای مجازات حبس بدل از قصاص نفس یا عضو قابل اجرا نباشد، مشخص نماید بدین صورت که آن را تبدیل به جزای نقدی و در صورت عدم امکان وصول جزای نقدی به علت اعسار کامل مرتکب و عدم امکان تقسیط، آن مجازات قابل اجرا نبوده باشد.

References

1. The Holy Quran.
2. Ahmadian R. Twenty-Five Criminal Responsibilities Clinging on the Limits in Iranian Law. MA Dissertation. Mazandaran: Mazandaran University; 2016. p.290, 292-294. [Persian]
3. Available at: <http://www.wikipedia.org>. Accessed February 11, 2018. [Persian]
4. Heli H. Qavaed al-Ahkam. Qom: Islamic Publications Office; 1992. p.392. [Arabic]
5. Jabaee Ameli Z. Masalek al-Afham. Qom: Islamic Educational Institute Publications; 1992. p.142, 238-239, 273. [Arabic]
6. Hoseini Maraghei MAF. Al-Anavin al-Feqhiah. Qom: Teachers Community Publications; 1996. p.306. [Arabic]
7. Sabzevari MAF. Mohazab al-Ahkam fi bayane Halal al-Haram. Qom: Office of Ayatollah Sabzevari Publication; 1992. p.11. [Arabic]
8. MohagheqHeli J. Sharaye al-Islam. Qom: Ismaeilian Institute; 1988. p.217, 284. [Arabic]
9. Mosavi Bojnordi MH. Al-Anavin al-Feqhiah. Qom: Hadi Publications; 1998. p.211. [Arabic]
10. Mohaqeq Damad SM. The rules of jurisprudence. Tehran: Samt Publications; 1995. p.92. [Persian]
11. Behjat Tabrizi MT. Jame al-Masael. Qom: Office of Ayatollah Bahgat Publication; 2005. p.319. [Persian]
12. Ardabili MT. General criminal law. 32th ed. Tehran: Mizan Publications; 2014. p.95. [Persian]
13. MirMohammadSadeqi H. Crimes against individuals. Tehran: Mizan Publications; 2013. p.211, 227-228. [Persian]
14. Najafi Abrandabadi AH. Criminal Sociology Letter. Tehran: Shahid Beheshti University; 1994. p.105. [Persian]
15. Motahari M. Man and destiny. Qom: Sadra Publications; 1996. p.40-50. [Persian]

16. Mohseni M. General criminal law. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1996. p.180. [Persian]
17. Qolamhoseini E, Borhani M. Income on Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2014. p.34. [Persian]
18. Norbaha R. Income on Criminal Law. Tehran: Mizan Publications; 2009. p.83. [Persian]
19. Makarem Shirazi N. Treatises. Available at: <http://www.makarem.ir>. Accessed February 18, 2018. [Persian]
20. Safi Golpaygani L. Treatises. Available at: <http://www.saafi.com>. Accessed February 18, 2018. [Persian]
21. Bayat Zanjani A. Treatises. Available at: <http://www.bayat.info>. Accessed February 18, 2018. [Persian]
22. Saanei Y. Treatises. Available at: <http://www.saanei9.tk>. Accessed February 18, 2018. [Persian]
23. Mosavi Khoei SA. Mabani Takmela al-Menhaj. Tehran: Khorsandi Publications; 2012. p.299. [Persian]